The theory of the network connection of the geography of the Qur'an, jurisprudence and culture in a contextual way (ground theory)

Seyyed Javad Khatami[1] *Seyyed Somayeh Khatami*[2]

Abstract

The relationship between jurisprudence, the Quran, and geography is an issue that can be addressed from different angles; but what is certain is that this relationship can be expressed more perceptibly and concretely through the study of the places of the Quran and their geographical and archaeological characteristics, in such a way that tangible cultural influences can be observed at the heart of this relationship. The mission of this article is to study the relationship of places mentioned in the Quran on jurisprudence and, consequently, its cultural influences. The main method of this research is a qualitative approach of grounded theory, which was achieved by using the data-driven theorizing method by examining two hundred and twenty-three verses of the Quran that mention places. By examining these data, four central categories were extracted. The findings of the research indicate that the places of the Holy Quran, in addition to determining the spatial boundaries with jurisprudential authority, are also effective in explaining instances of action with jurisprudential authority. The results of the article show that in axial coding, we also witness logical and causal relationships, conditional and process categories, and strategies that lead to appropriate outcomes; so that examining these places provides a space for inferring jurisprudential rulings in the form of an interconnected network that has a balanced relationship with the central concept of religion and its impact on culture.

Keywords: Qur'anic places, inference of jurisprudence, contextual method.

1. Associate Professor in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Hakim Sabzevari University
Email: s.khatami@hsu.ac.ir
2. Assistant Professor in Islamic Sources of the Quran and Nahjul-Balagha, Hakim Sabzevari University (Corresponding Author)
Email: s.khatamy@hsu.ac.ir

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

«دوفصلنامه فرهنگ پژوهی اخلاق در جامعه اسلامی»

سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۴

تئوری ارتباط شبکه‌ای جغرافیای قرآن، فقه و فرهنگ به روش زمینه‌ای (گرندد تئوری)

سید جواد خاتمی[۱] *سیده سمیه خاتمی*[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۷/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱/۲۰)

چکیده

ارتباط فقه، قرآن و جغرافیا، مسئله‌ای است که از زوایای مختلف می‌توان به آن پرداخت؛ ولی آنچه مسلم است، این است که این ارتباط از طریق بررسی مکانه‌ای قرآن و ویژگی‌های جغرافیایی و باستان‌شناسی آن‌ها می‌تواند محسوس‌تر و ملموس‌تر بیان گردد، به‌گونه‌ای که در دل این ارتباط، تأثیرات فرهنگی محسوس قابل‌مشاهده است. رسالت این مقاله، بررسی ارتباط مکانه‌ای مطرح‌شده در قرآن بر فقه و بالتبع تأثیرات فرهنگی آن است. روش اصلی این پژوهش، رویکرد کیفی نظریه زمینه‌ای است که برای رسیدن به آن، از روش نظریه‌پردازی داده‌محور با بررسی دویست و بیست و سه آیه از آیاتی که در قرآن مکانی مطرح گردیده، استفاده شده است. با بررسی این داده‌ها، چهار مقوله محوری استخراج گردید. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اماکن قرآن کریم، علاوه بر تعیین محدوده مکانی دارای حکم فقهی، بر تبیین مصادیق عمل دارای حکم فقهی نیز مؤثر است. نتایج مقاله نشان می‌دهد در کدبندی محوری، شاهد ارتباط منطقی و علی، مقوله‌های شرایطی و فرایندی و راهبردهایی که به پیامدهای مناسب منجر می‌شود نیز هستیم؛ به‌طوری‌که بررسی این اماکن، موجب فراهم شدن فضایی در جهت استنباط احکام فقهی به‌صورت شبکه‌ای به‌هم‌پیوسته که نسبت متوازنی با مفهوم مرکزی دین و تأثیرگذاری آن بر فرهنگ دارد، می‌شود.

واژگان کلیدی: اماکن قرآن، استنباط حکم فقهی، روش زمینه‌ای.

---

۱. دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری
رایانامه: s.khatami@hsu.ac.ir

۲. استادیار منابع اسلامی قرآن و نهج البلاغه، دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول)
رایانامه: s.khatamy@hsu.ac.ir

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

مقدمه

ارتباط فقه، قرآن و جغرافیا مسئله‌ای است که از زوایای مختلف می‌توان به آن پرداخت؛ ولی آنچه مسلم است، این است که این ارتباط از طریق بررسی مکانه‌ای قرآن و ویژگی‌های جغرافیایی و باستان‌شناسی آن‌ها می‌تواند محسوس‌تر و ملموس‌تر بیان گردد. در این راستا لازم است بدانیم خدای متعال در حداقل دویست و بیست و سه آیه از آیات قرآن کریم به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به مکانی اشاره می‌نماید که وقتی این آیات را در کنار آیاتی که خداوند متعال امر به سیر و بازدید در زمین می‌دهد (عنکبوت، ۲۰) قرار می‌دهیم، به نظر می‌رسد مکان‌هایی که خود قرآن ذکر کرده است، می‌تواند اولویت بالاتری نسبت به مکانه‌ای دیگر داشته باشد. بررسی دقیق جغرافیایی مکانه‌ای قرآن، می‌تواند در پرده‌برداری از کلمات و آیات قرآن کمک بسیاری نماید و ما را در رسیدن به اهدافی نظیر تبیین حقانیت قرآن کریم و برطرف نمودن ابهامات در ارتباط با موقعیت مکانی و وضعیت جغرافیایی اماکن موردنظر یاری رساند. ایجاد ارتباط جغرافیا با قرآن موجب پدید آمدن گرایش خاصی در تفسیر به نام تفسیر جغرافیایی می‌گردد. تفسیر جغرافیایی می‌تواند نقش بسزایی در رشد و پرورش سایر علوم نیز داشته باشد؛ نظیر علوم تربیتی، باستان‌شناسی و... در واقع توجه به تفسیر جغرافیایی موجب می‌گردد جامعه‌ای ایجاد شود که نه فقط در آن احکام دینی اجرا گردد، بلکه جامعه‌ای باشد که هم‌زمان ارتقاء هماهنگ بینش‌ها و اخلاق و احکام را نیز ایجاد نماید و به‌نوعی موجب ارتقاء سطح بینش فرهنگی افراد گردد. ارتباط جغرافیای قرآن با فقه در نظام‌مندی معارف دین اثرگذار است؛ چراکه موجب می‌گردد این معارف در عین تکثر، دارای ارتباط هماهنگ نیز باشند. تفسیر جغرافیایی فضایی را فراهم می‌کند تا استنباط احکام فقهی به‌صورت شبکه‌ای به‌هم‌پیوسته که نسبت متوازنی با مفهوم مرکزی دین دارد، صورت پذیرد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

از منابع مسلمی که در استنباط احکام فقهی مورد استفاده قرار می‌گیرد، قرآن کریم است. فقه به‌عنوان علم بیان‌کننده احکام و دستورات دین اسلام می‌تواند با علوم نوپدید هم ارتباط برقرار نماید؛ اما سؤال اصلی اینجاست که این ارتباط در چه جهت یا جهاتی می‌تواند ایجاد گردد؟ آیا قرآن کریم به مقوله ارتباطی جغرافیا با فقه پرداخته است؟ تحقیق در این موضوع می‌تواند کمک بسیاری را در راستای پاسخ‌گویی به این مطلب ایفا نماید و البته این مقاله هم قصد ندارد به تمام ابعاد این موضوع به‌طور کامل بپردازد؛ چراکه ارتباط فقه، قرآن و جغرافیا مسئله‌ای است که از زوایای مختلف می‌توان به آن پرداخت؛ ولی آنچه مسلم است، فهم این ارتباط به خودی خود تأثیرگذار بر فرهنگ جامعه نیز است. در پاسخ به سؤال اصلی لازم است به این سؤال نیز پاسخ داده شود که اولاً؛ مفهوم تفسیر جغرافیایی چیست؟ مسائل علم جغرافیا کدام‌اند؟ و اصلاً فرهنگ چگونه شکل می‌گیرد؟ و سپس به این سؤال اصلی پرداخته شود که نحوه تأثیر تفسیر جغرافیایی بر استنباط حکم فقهی و فرهنگ چگونه است؟ در مرحله بعد باید گفت، بسترهای شکل‌گیری این نوع تأثیرگذاری چه می‌تواند باشد؟ عوامل شکل‌دهنده و تسهیلگر در این نوع تأثیرگذاری چه مواردی می‌تواند باشد؟

۱. تفسیر جغرافیایی

شاخه تفسیر جغرافیایی به عنوان مبحثی از مباحث قرآن و علوم، از سویی در روش‌های تفسیری جای می‌گیرد، چراکه یکی از شش روش تفسیر قرآن (قرآن به قرآن، روایی، عقلی، اشاری، علمی و اجتهادی جامع) روش تفسیر علمی قرآن است و از سویی جزء گرایش‌های تفسیری است چراکه تفسیرهای علمی با توجه به تخصص مفسر رنگ خاصی می‌گیرد و به همین دلیل مباحث میان‌رشته‌ای قرآن و علم مانند تفسیرهای تربیتی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و... شکل می‌گیرد که هر کدام شاخه‌ای از گرایش‌های تفسیری را شکل می‌دهد. (رضایی اصفهانی،

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

۷/۵،۱۳۹۸) به این ترتیب تفسیر جغرافیایی به تبیین معانی استعمالی آیات جغرافیایی اماکن قرآن کریم می‌پردازد و از طریق بررسی مکان جغرافیایی به آشکار کردن مراد جدی بر اساس قواعد معتبر می‌پردازد. در این شیوه تفسیری قائل به استخراج تمام علوم از قرآن کریم یا تحمیل نظریات علمی نیستیم اما به دنبال استخدام علوم جغرافیایی برای فهم بهتر آیات قرآن و جهت‌دهی به مبانی و اهداف علم جغرافیا و نظریه‌پردازی علمی قرآن کریم هستیم بنابراین در این شیوه مفسر از طریق مطالب اطمینان آور علمی که با ظاهر آیات قرآن موافق است به تفسیر علمی می‌پردازد و معانی مجمل را کشف می‌نماید و البته از هرگونه تأویل و تفسیر به‌رأی پرهیز می‌شود و تنها به طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفته می‌شود.

۲. مسائل علم جغرافیا

جغرافیا با کمک گرفتن از سایر علوم به سؤالات خود پاسخ می‌دهد. دو قطب اصلی علم جغرافیا از عوامل محیط طبیعی و فرهنگ جوامع انسانی تشکیل شده است. لذا بر همین اساس می‌توان علم جغرافیا را به دو بخش جغرافیای طبیعی و جغرافیای انسانی تقسیم کنیم (شکویی، ۱۳۹۲، ۲۴). جغرافیای طبیعی به ژئومورفولوژی، اقلیم‌شناسی، جغرافیای آب‌ها، جغرافیای زیستی و جغرافیای خاک‌ها تقسیم می‌شود که هر کدام به‌نوعی در تفسیر جغرافیایی کاربرد دارد. جغرافیای انسانی که البته شاخه‌ای از جغرافیاست که به نظر می‌رسد بیشتر بتواند کمک‌کننده ما در تفسیر آیات جغرافیایی اماکن قرآن باشد، جغرافیای تاریخی است که عبارت است از مطالعه جغرافیای یک مکان، سرزمین یا ناحیه در دوره خاصی از تاریخ گذشته؛ ولی این شاخه از جغرافیا خود به اعتباری شامل همه شاخه‌های جغرافیا در گذشته است (احمدیان، ۱۳۷۶، ۳۲۴). امروز نیز صحیح است که قالب اصلی که مبحث قرآن و جغرافیا در آن قرار می‌گیرد، جغرافیای تاریخی است؛ اما به‌نوعی لازم است از تمامی شاخه‌های آن، هم در جغرافیای انسانی و هم در جغرافیای طبیعی

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

استفاده گردد. سؤالات کلیدی در جغرافیا عبارت است از: کجا؟ چه چیزی؟ چرا؟ چه موقع؟ چه کسانی؟ چطور؟ بر همین اساس، بحث میان‌رشته‌ای قرآن و جغرافیا تنها در ذیل مباحث میان‌رشته‌ای قرآن و علوم انسانی قرار نمی‌گیرد و از منظر جغرافیای طبیعی نیز در ذیل مباحث قرآن و علوم طبیعی قرار می‌گیرد.

۳. مکانیزم تأثیر علم بر فرهنگ

از دیدگاه فرهنگستان، فرایند نظریه‌پردازی، فرایندی انسانی و ارادی است نه فرایندی مکانیکی یا رباتیک. اینکه فرایند نظریه‌پردازی از ویژگی‌های فکری محقق و توان نظری و دانشی او تأثیر می‌پذیرد، اجمالاً امری تجربه‌شده و مورد قبول است؛ اما علاوه بر این، ویژگی‌های اخلاقی محقق نیز بر فرایند نظریه‌پردازی حاکم بوده و دارای تأثیرات محتوایی در نظریه ارائه‌شده است. در ادبیات فلسفه نظام ولایت، محقق در منزلت تبعی تحت تأثیر محیط قرار دارد؛ اما می‌تواند جایگاه خود را به یک فاعل تصرفی ارتقاء داده و در محیط و فرهنگ حاکم بر خود تصرف کند. در واقع ایجاد فهم جدید از علوم مختلف به معنی امکان تغییر در فرهنگ جامعه است. فرهنگ به‌عنوان مجموعه هنجارها و ارتکازات اجتماعی معنی شده است که به تفاهم اجتماعی رسیده‌اند؛ بنابراین اگر بتوانیم مفاهیم جدید تولیدشده را به تفاهم اجتماعی برسانیم، به معنی ایجاد هنجارهای جدید در جامعه و در نتیجه تغییر در فرهنگ جامعه است (جهانبخش و شیخ‌العراقین‌زاده، ۱۳۹۸).

۴. پیشینه پژوهش

پژوهشگرانی عوامل جغرافیایی را حائز اهمیت یافته و با ارائه شواهد، آن را مورد توجه خاص قرآن می‌دانند (امین طباطبایی، ۱۳۹۳، ۳۵-۶۶) و معتقدند که قرآن کریم اهمیت خاصی به ویژگی‌های مکانی قصص داده است و بی‌فایده بودن ذکر عوامل جغرافیایی در داستان‌ها را ضمناً یا صراحتاً انکار می‌نمایند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲۶۵/۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۱۱۲/۹). گاهی نیز به مباحث

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

جغرافیای طبیعی ذیل آیات قبله اشاره کرده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ۳۳۷/۱) که شامل موارد زیر می‌باشند:

- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن.
- شوقی، ابوالخلیل، اطلس قرآن.
- عرب، محمدحسن، دانشنامه اماکن جغرافیایی در قرآن.
- براندن، ون دن، باستان‌شناسی قوم ثمود.

یا در زمینه تأثیر جغرافیا بر فقه، اشاراتی در مقالاتی وجود دارد، نظیر:

- مقاله «تقسیم جغرافیایی و وضع حقوقی اشخاص در فقه اسلام» (الماسی و صادقی، ۱۳۹۷).
- مقاله «رویکرد جغرافیایی در حقوق محیط زیست» (دلیر، ۱۳۹۹).
- مقاله «بررسی تطبیقی نقش مؤلفه‌های جغرافیایی در ارتکاب جرائم اقتصادی از منظر حقوق ایران و فقه امامیه و اسناد بین‌المللی» (حسین الحسینی و دیگران، ۱۴۰۰).

نوآوری پژوهش حاضر، علاوه بر پرداختن به مقوله تأثیر جغرافیای قرآنی بر فقه، بر ساختار کلی استنباط‌شده، روش استخراج آن و هدف مترتب بر آن استوار است؛ به‌گونه‌ای که هنوز هیچ بعد تخصصی از موضوع تأثیر تفسیر جغرافیایی بر فقه در کتب و مقالات دانشمندان و صاحب‌نظران اسلامی مورد کنکاش قرار نگرفته است و از مزایای این نوع ساختار، دست یافتن به نتایجی منظم در کنار به دست آوردن مقوله محوری، رسیدن به مقوله‌های شرایطی و فرایندی و راهبردهایی است که به پیامدهای مناسب در این زمینه منجر می‌گردد. در پایان لازم است توجه گردد که موضوع موردنظر در این مقاله با عناوینی چون «بررسی نقش قیود مکانی در فقه» متفاوت است. در واقع در بحث از نقش قیود مکانی در فقه، به مواردی پرداخته می‌شود که شمول حکم به لحاظ مکانی محدود می‌شود؛ مانند وجوب به‌جا آوردن

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

اعمال حج در مکه یا حکم به استحباب نماز تحیت هنگام ورود به مسجد و یا کراهت خواندن نماز در حمام (مکارم شیرازی، بی‌تا، ۶۲/۲)؛ اما در اینجا بحث به طور کلی در اماکنی است که در قرآن ذکر شده و بررسی جغرافیایی آن‌ها می‌تواند به نحوی تأثیرگذار در تبیین بهتر حکم شرعی باشد؛ بنابراین در اینجا اماکنی که قیود موضوع حکم در بیان قرآن است، خارج از موضوع بحث نیست؛ بلکه علاوه بر بررسی تأثیرپذیری قیود مکانی بر فقه در مقوله اول، به تأثیرگذاری اماکن قرآن کریم بر تبیین مصادیق عمل دارای حکم فقهی و یا تأثیرگذاری آن بر احادیث فقهی و عرف نیز می‌پردازد.

۵. روش پژوهش

روش اصلی این پژوهش، نظریه زمینه‌ای است. نظریه زمینه‌ای، شیوه‌ای از پژوهش کیفی است که با استفاده از یک دسته داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد؛ به‌طوری‌که این نظریه در سطحی وسیع، یک فرایند، عمل یا تعامل را تبیین می‌کند؛ بنابراین برای فهم تئوری تأثیرپذیری ادله فقهی از تفسیر جغرافیایی اماکن قرآن، میدان داده‌ها، آیات جغرافیایی قرآن در بعضی مناطق و سپس دیدگاه‌های صاحب‌نظران مختلف است. از آنجا که در پژوهش حاضر، از روش پژوهش زمینه‌ای استفاده شده است، برای تحلیل داده‌ها از سه روش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شده است. در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه و در مرحله کدگذاری محوری، مقولات عمده همراه با مقوله هسته‌ای استخراج می‌شود و در مرحله کدگذاری انتخابی که همراه با بررسی دقیق داده‌ها و کدبندی در مرحله قبلی است، پژوهشگر به تحلیل داده‌ها می‌پردازد و آن‌ها را در قالب نظریه‌ای ارائه می‌دهد. این موضوع در متن تحقیق به این شکل آمده که عناوین مقولات بیان گردیده و ذیل هر مقوله، مفاهیمی که موجب گردیده آن مقوله استخراج گردد، بیان شده است و نیز ذیل هر مفهوم، داده‌هایی که منتج به مفهوم گردیده، ذکر گردیده

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

است. در انتها از بین مقولات مطرح‌شده، مقوله محوری استنباط و بیان گردیده است (اشتراوس و کربن، ۲۰۰۸م، ۶-۲۲؛ محمدپور، ۲۰۱۳م؛ ناصری، ۱۳۹۶).

به‌منظور گردآوری داده، ۲۲۳ آیه از آیاتی که به‌نوعی به اماکن جغرافیایی قرآن اشاره دارند مورد بررسی قرار گرفت. از میان این آیات، ۲۴ آیه کد یا کدهای لازم را دریافت کرده‌اند؛ ولی به جهت محدودیت حجم مقاله، فقط به نمونه‌ای از آیات و کدهای داده‌شده به آن‌ها، به‌صورت بسیار خلاصه اکتفا گردیده است. از آنجایی که یافتن داده از قرآن منوط به فهم شاخص و اصول کلی مربوط به تفسیر جغرافیایی و تأثیرگذاری آن بر استنباط حکم فقهی است، ابتدا این موارد لازم است گردآوری گردد و سپس نزدیکی و قرابت تفسیر جغرافیایی با آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

۶. یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که بیان شد، هدف از این پژوهش، بررسی تئوری تأثیرپذیری استنباط حکم فقهی از ذکر اماکن قرآن کریم به‌منظور ارائه یک نظریه زمینه‌ای است. یافته‌های پژوهش در شکل یک (در پایان مقاله) نمایش داده شده است که شامل مقولات محوری و یک مقوله هسته‌ای است. هر یک از مقولات محوری در ادامه توصیف می‌شود. آنچه در ذیل هر مقوله بیان می‌گردد، مفاهیمی است که در کدگذاری باز به تولید آن مقولات منجر گردیده است. برای نمونه، به موردی از کدگذاری باز و کدگذاری محوری در تعیین مقوله دوم اشاره می‌گردد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

	داده‌های خام	مفهوم	مقوله
۱	وَ سْئَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كانَتْ حاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ (اعراف، ۱۶۳-۱۶۵)	وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر همه	اماکن جغرافیایی قرآن کریم در تبیین مصادیق عمل دارای حکم فقهی مؤثر است.
۲	وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيها رِزْقُها رَغَداً مِنْ كُلِّ مَكانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذاقَهَا اللَّهُ لِباسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِما كانُوا يَصْنَعُونَ (نحل، ۱۱۲)	حرمت کفران نعمت و اسراف فراوان در شهر ثرثار	
۳	وَ لَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ أَ فَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَها بَلْ كانُوا لا يَرْجُونَ نُشُوراً (فرقان، ۴۰)	روشن شدن شدت حرمت همجنسگرایی	
۴	وَ مِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرابِ مُنافِقُونَ وَ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفاقِ... (توبه، ۱۰۱)	تبیین مصادیق نفاق	
۵	وَ اتَّبَعُوا ما تَتْلُوا الشَّياطِينُ عَلى مُلْكِ سُلَيْمانَ وَ ما كَفَرَ سُلَيْمانُ وَ لكِنَّ الشَّياطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ ما أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبابِلَ هارُوتَ وَ مارُوتَ (بقره، ۱۰۲)	تبیین مصادیق سحر	

جدول ۲- کدگذاری باز و محوری مقوله دوم «تأثیرگذاری اماکن قرآن کریم در تبیین مصادیق عمل دارای حکم فقهی»

۶-۱. مقولات محوری

۶-۱-۱. مقوله اول؛ اماکن جغرافیایی قرآن کریم بر تعیین محدوده مکانی دارای حکم فقهی مؤثر است:

بررسی بیشتر آیات مربوط به مکانه‌ای قرآن، نشان می‌دهد شناخت محدوده مکانی، بر نحوه انجام عمل مورد انتظار در فقه مؤثر است و گاهی منجر به ایجاد قیودی در آن عمل می‌گردد. چنان‌که در بیست و هشت آیه از آیات قرآن کریم

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

مستقیماً کلمات مربوط به خانه کعبه، محل قبله، شهر مکه، مکانه‌ای مقدس آن نظیر مشعرالحرام، عرفات، مقام ابراهیم و مسجدالحرام بیان گردیده است (آل‌عمران، ۹۷-۹۶؛ بقره، ۱۲۷-۱۲۵، ۱۴۵-۱۴۲، ۱۵۸، ۱۹۸؛ ابراهیم، ۳۵ و ۳۷؛ بلد، ۱- ۲؛ تین، ۳؛ مائده، ۲؛ انفال، ۳۵؛ حج، ۲۶، ۲۹، ۳۳؛ فتح، ۲۷؛ طور، ۴؛ قریش، ۳؛ شوری، ۷ و ۹۲؛ یونس، ۸۷؛ نمل، ۹۱). این مقوله از مفاهیمی قابل برداشت است که به بعضی از آن مفاهیم پرداخته می‌شود:

۶-۱-۱-۱. مفهوم اول- حج در بیت الله واجب است. حج یکی از مهم‌ترین فروع دین اسلام است که مسلمانان با داشتن شرایط استطاعت، مکلف‌اند مجموعه‌ای از اعمال واجب را در مکان مشخصی به‌جا آورند. مشخص شدن مکان آن برای این است که مردم آن را وسیله‌ای قرار دهند برای پرستش خدای سبحان و از دور و نزدیک به همین منظور به طرف آن روانه شوند یا به طرف آن عبادت کنند و آثاری دیگر بر آن مترتب سازند. در قرآن محل وجوب حج، بیت‌الله بیان گردیده است. این مفهوم از داده زیر به دست آمده است:

داده مرتبط: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُدىً لِلْعالَمِينَ؛ همانا اولین خانه‌ای که برای (عبادت) مردم مقرر شد، همان است که در سرزمین مکه است که مایه برکت و هدایت جهانیان است.» (آل‌عمران، ۹۶)

در معنای کلمه «بیت»، فردی از امیرالمؤمنین علیه السلام در ذیل آیه پرسید: آیا به‌راستی کعبه اولین بیت است؟ فرمود: «نه، قبل از کعبه خانه‌هایی دیگر نیز بوده، لیکن کعبه اولین خانه مبارکی است که برای مردم بنا نهاده شد؛ خانه‌ای که در آن هدایت و رحمت و برکت است». مرحوم علامه نیز قائل‌اند با توجه به روایات، کلمه «بیت» به بقعه‌ای از زمین تفسیر شده و ادله زیادی به چشم می‌خورد که دلالت می‌کند بر اینکه خانه کعبه همواره معمور به عبادت و آیتی در هدایت بوده است. در

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

جاهلیت عرب هم کعبه مورد احترام و تعظیم بوده و به‌عنوان اینکه حج جزء شرع ابراهیم است، به زیارت حج می‌آمدند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۵۴۴/۳-۵۴۲).

٦-١-١-٢. مفهوم دوم- شهر مکه دارای حرمت است:

حرم مکه یا حرم مکی، مهم‌ترین حرم مسلمانان در سرزمین مکه است که احکام شرعی خاصی دارد. این منطقه در قرآن، «حرم امن» خوانده شده است. حدود منطقه حرم از دیرباز معهود بوده است؛ اما در هر حال، روشن‌فکری حدود آن بر حکم فقهی مربوطه اثرگذار است. مسجدالحرام و کعبه در این حرم قرار دارند. بحث امنیت‌بخشی به حرم از داده‌های زیر به دست می‌آید:

داده مرتبط: در آیاتی نظیر آیه ۳۷ سوره ابراهیم و ۱۲۵ سوره بقره، در مورد حرمت‌گذاری نسبت به حرم آورده شده است؛ اما به‌صورت حکم دارای بار فقهی، از آیه ۹۷ سوره آل‌عمران بیشتر قابل استنباط است: «فِيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِيمَ وَ مَنْ دخَلَهُ كانَ آمِناً وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعالَمِينَ؛ در آن (خانه) نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است و هر کس به آن درآید، در امان است و برای خدا بر عهده مردم است که قصد حج آن خانه را نمایند، (البته) هرکه توانایی این راه را دارد و هرکس کفر ورزد، همانا خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.» (آل‌عمران، ۹۷) در این آیه مشهود است که حرمت‌گذاری همراه با حکمی که دارای بار فقهی نیز است، مطرح گردیده است.

داده مرتبط: سوگند به مکه به‌عنوان یک شهر امن. خدای متعال در آیه ۳ سوره تین می‌فرماید: «وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ؛ و سوگند به این شهر امن و امان» (تین، ۳) مراد از «بلد» در بین مفسران با توجه به گفتگوی پیامبر با مشرکان در این شهر، همان «مکه معظمه» است و آن را «بلد امین» می‌خوانند؛ چون امنیت یکی از خواصی است که برای حرم تشریع شده و هیچ جای دیگر دنیا چنین حکمی برایش تشریع نشده است. این حرم سرزمینی است که خانه کعبه در آن واقع است و خداوند متعال

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

درباره آن فرموده: «أَ وَ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنا حَرَماً آمِناً؛ مگر ندیدند که ما حرمی ایمن درست کردیم؟» (عنکبوت، ۶۷) و نیز در دعایی که قرآن کریم از ابراهیم خلیل علیه السلام حکایت کرده، آمده است: «رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً؛ پروردگارا! این محل را شهری امن قرار بده» (ابراهیم، ۳۵) (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۵۷۹/۱۵؛ قمی، ۱۳۶۷، ۱۳۲/۲). در یکی از کهن‌ترین کتاب‌های جغرافیایی مربوط به قرن چهارم، مکه را شهری معرفی می‌کند که ۳۷۰ ارش دارد و پهنایش ۳۱۵ ارش است (بی‌نا، ۱۴۲۳ق، ۱۷۱). در میان آثار جغرافیدانان مسلمان (قزوینی، ۱۳۷۳ش، ۱۴۶–۱۴۳؛ عرب، ۱۳۸۸ش، ۵۸۰–۵۷۱) بیان حدود شهر مکه مورد توجه واقع شده است.

۳-۱-۱-۶. مفهوم سوم- طواف از محدوده صفا تا مروه واجب است.

«صفا» و «مروه» نام دو کوه کوچک در مکه است که امروز بر اثر توسعه مسجدالحرام در ضلع شرقی مسجد، در سمتی قرار دارد که حجرالأسود و مقام حضرت ابراهیم واقع شده است. این دو کوه کوچک به فاصله تقریباً ۴۲۰ متر در برابر یکدیگر قرار دارند. ارتفاع کوه صفا پانزده متر و مروه هشت متر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۵۳۹/۱). در این محدوده، طواف واجب گردیده است. این مفهوم از داده زیر به دست می‌آید:

داده مرتبط: «إِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِما وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَإِنَّ اللَّهَ شاكِرٌ عَلِيمٌ؛ همانا صفا و مروه، از شعائر خداست. پس هر که حج خانه خدا و یا عمره به‌جای آورد، مانعی ندارد که بین صفا و مروه طواف کند.» (بقره، ۱۵۸)

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

نتیجه: اولین مقوله به دست آمده از مفاهیم و داده‌های مرتبط حاکی از آن است که اماکن جغرافیایی قرآن کریم بر تعیین محدوده مکانی دارای حکم فقهی مؤثر است.

	داده‌های خام	*مفهوم*	*مقوله*
۱	فِيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعالَمِينَ (آل عمران، ۹۷).	وجوب امنیت بخشی به مردم در حرم	اماکن جغرافیایی قرآن کریم بر تعیین محدوده مکانی دارای حکم فقهی مؤثر است.
۲	وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى ... (بقره، ۱۲۵)	وجوب اقامه نماز در مقام ابراهیم	
۳	قَدْ نَرى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّماءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضاها فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ...	وجوب قبله و روشن شدن محل آن	
۴	إِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِما وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَإِنَّ اللَّهَ شاكِرٌ عَلِيمٌ (بقره، ۱۵۸)	وجوب طواف از محدوده صفا تا مروه	
۵	لَكُمْ فِيها مَنافِعُ إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّها إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ (حج، ۳۳).	مشخص شدن محل قربانی	
۶	لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُناحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ اذْكُرُوهُ كَما هَداكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ (بقره، ۱۹۸)	وجوب وقوف در عرفات حرکت و وقوف در مشعر الحرام	

جدول ۳- کدگذاری باز و محوری مقوله اول «تأثیرگذاری اماکن قرآن کریم بر تعیین محدوده مکانی دارای حکم فقهی»

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

٦-١-٢. مقوله دوم؛ اماکن جغرافیایی قرآن کریم در تبیین مصادیق عمل دارای حکم فقهی مؤثر است.

یکی از مهم‌ترین تأثیراتی که شناخت مکانی اماکن قرآن کریم بر ذهن هر خواننده‌ای ایجاد می‌نماید، عینیت بخشیدن به وجود افرادی در زمانی خاص در آن منطقه است که دارای ویژگی‌ها و شرایط خاصی بوده‌اند. بر همه آشکار است که قصص قرآن هرگز افسانه نیست و حکایت از واقعیت‌های موجود می‌کند؛ اما وقتی به بررسی محسوس در مکان و آثار زندگی آن‌ها می‌پردازیم، این یقین در قلب هر خواننده‌ای بسیار افزون می‌شود و موجب تأمل و تفکر وی در این قضیه بیش از گذشته می‌گردد. این تأثیر در حوزه فقه نیز امری روشن است؛ چراکه موجب می‌شود مصادیق عمل دارای حکم فقهی که موجب وقوع حوادثی نظیر عذاب یا پاداش گردیده را روشن‌تر نماید. مفاهیمی که به استخراج این مقوله منجر گردیده، در جدول شماره یک بیان گردیده است. اکنون به بیان یک مفهوم و داده‌هایی که منجر به بروز این مفهوم گردیده، اشاره می‌گردد.

٦-١-٢-١. مفهوم اول؛ سحر به سه معنای تسلط ارواح شیطانی، درمان و پیشگویی حرام است.

یکی از آیات قرآن که به‌طور خاص به مسئله سحر و جادو می‌پردازد، آیه‌ای است که مکان سحر را شهر «بابِل» معرفی می‌نماید. در این آیه به طور صریح و روشن، سحر را معادل با کفر و سحرکننده را نظیر کافر به خدای متعال معرفی می‌کند. این آیه که به‌عنوان پرابهام‌ترین آیات در نزد مفسران شناخته شده است، آیه ۱۰۲ سوره بقره است. مرحوم علامه طباطبایی رحمه الله در ذیل این آیه به تشریح حداقل چهارده اختلاف می‌پردازند که اختلاف پنجم و چهاردهم مرتبط با بحث سحر است. ایشان در اختلاف چهاردهم می‌فرماید: «آیا با سحر میانه زن و شوهر محبت و دشمنی ایجاد می‌کرده‌اند، و یا آنکه یکی از آن دو را مغرور ساخته و به کفر و شرک

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

وامی‌داشتند، و میانه زن و شوهر اختلاف دینی می‌انداختند؟ و یا با سخن‌چینی و سعایت، بین آن دو را گل‌آلود نموده و سرانجام جدایی می‌انداختند؟» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۳۵۳/۱–۳۵۱). بازخوانی و مطالعه شهر «بابِل» ما را در فهم مفهوم سحر یاری می‌نماید. این مفهوم از داده‌های زیر به دست می‌آید:

داده اول مرتبط؛ منظور از بابل مطرح در آیه، بابل عراق است. در آیه ۱۰۲ سوره بقره نام بابل آمده است. «وَ اتَّبَعُوا ما تَتْلُوا الشَّياطِينُ عَلى مُلْكِ سُلَيْمانَ وَ ما كَفَرَ سُلَيْمانُ وَ لكِنَّ الشَّياطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ ما أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبابِلَ هارُوتَ وَ مارُوتَ وَ ما يُعَلِّمانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولا إِنَّما نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُما ما يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ ما هُمْ بِضارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَتَعَلَّمُونَ ما يَضُرُّهُمْ وَ لا يَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَراهُ ما لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلاقٍ وَ لَبِئْسَ ما شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كانُوا يَعْلَمُونَ؛ و (یهود) آنچه (از افسون و سحر که) شیاطین (از جنّ وانس) در عصر سلیمان می‌خواندند، پیروی می‌کردند و سلیمان هرگز (دست به سحر نیالود) و کافر نشد ولکن شیاطین، کفر ورزیدند که به مردم سحر و جادو می‌آموختند و (نیز) از آنچه بر دو فرشته، هاروت و ماروت، در شهر بابل نازل شده بود پیروی نمودند. آنها سحر را (برای آشنایی به طرز ابطال آن) به مردم می‌آموختند .و به هیچ‌کس چیزی نمی‌آموختند، مگر اینکه قبلاً به او می‌گفتند ما وسیله آزمایش شما هستیم، (با بکار بستن سحر) کافر نشوید (و از این تعلمیات سوء استفاده نکنید)، ولی آنها از آن دو فرشته مطالبی را می‌آموختند که بتوانند به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند (نه اینکه از آن برای ابطال سحر استفاده کنند). ولی هیچ‌گاه بدون خواست خدا، نمی‌توانند به کسی ضرر برسانند. آنها قسمت‌هایی را فرامی‌گرفتند که برای آنان زیان داشت و نفعی نداشت، و مسلماً می‌دانستند هرکس خریدار این گونه متاع باشد، بهره‌ای در آخرت نخواهد داشت و به راستی خود را به بد چیزی فروختند، اگر می‌فهمیدند.»

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

بعد از بررسی آیه ۱۰۲ سوره بقره، سه شاخص برای روشن شدن مراد از مکان بابل وجود دارد. مهم‌ترین شاخصه اصلی برای شناسایی بابل در قرآن، وجود سحر و ساحری است که علاوه بر آنکه کاوش‌های باستان‌شناسان وجود جادوگری را به مفهوم وسیع آن در منطقه بابل عراق تأیید می‌نماید (بهمنش، ۱۳۸۵، ۱۱۲؛ ژورژ رو، ۱۳۶۹، ۳۴۲)، در کتب تاریخی نیز شهرت به سحر و جادوگری دارد (ویل دورانت، ۱۳۷۸، ۲۸۷/۱).

داده دوم مرتبط؛ سحر کنندگان به عذابی سخت مبتلا شده‌اند؛

«لَبِئْسَ ما شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُم» (بقره، ۱۰۲) همین مایه ضررشان بود و سودی برایشان نداشت با اینکه می‌دانستند کسی که خریدار این‌گونه سحر باشد آخرتی ندارد و چه بد بهایی بود که خود را در قبال آن فروختند، اگر می‌دانستند.

وقتی با تأمل به سرزمین بین‌النهرین می‌نگریم، شاید مهم‌ترین مطلبی که بعد از بررسی «بابل»، در تفسیر آیه بیشتر قابل درک است، وجود ارتباط وقایع پیش‌آمده در بابل با امری به نام سحر در این سرزمین است. به طوری که حضرت علی علیه السلام نیز آن در عبور از این سرزمین در حدیثی که به «رد الشمس» معروف است فرمودند: «ای مردم، این سرزمین مورد لعن و غضب خداوند است و در طی روزگار سه بار– و بنا بر خبر دیگر دو بار– تاکنون به عذاب الهی دچار شده و هم اکنون نیز در انتظار عذاب سوم است و این زمین یکی از زمین‌های مؤتفکه است و این نخستین سرزمینی است که در آن بت مورد پرستش قرار گرفته، بنابراین هیچ پیامبر و وصی پیامبری را جایز نیست که در چنین زمینی نماز گزارد، ولی هر کس از شما که بخواهد می‌تواند اینجا نماز بخواند...». (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۲۶۲/۱) به واقع با بررسی «بابل» می‌توان مشاهده نمود که چگونه مکانی که ظرفیت پذیرش تمدنی جهانی را داشت، اما به دلیل اینکه همیشه از کوچک‌ترین ارکان این جامعه یعنی خانواده تا بزرگ‌ترین آن یعنی دولت و حکومت، که آلوده به پیشگویی و سحر خرافه بود،

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

چندین مرحله به نابودی گرایید. (اوپنهایم، ۱۹۷۷م، ۱۰۰) و این شاید مصداق قسمت پایانی آیه ۱۰۲ است که می‌فرماید: «همین مایه ضررشان بود و سودی برایشان نداشت با اینکه می‌دانستند کسی که خریدار این‌گونه سحر باشد آخرتی ندارد و چه بد بهایی بود که خود را در قبال آن فروختند، اگر می‌دانستند».

داده سوم مرتبط، سحر در بین الواح گلی مدفون در منطقه بابل مشهور بوده است؛ در بررسی‌هایی که در بین الواح گلی مدفون در این شهر یافت شده است سحر به سه معنا کاربرد داشته است:

الف: روشی برای تسلط ارواح شیطانی: با اطمینان می‌توان فرض کرد که ساحران از داروها و شربت‌هایی استفاده می‌کردند که باعث دیدن خواب‌های بد می‌شد و افسون‌هایی می‌خواندند که به ساحران قدرت تسلط بر شیاطینی را می‌داد که به قربانیان خود آسیب برسانند. (مجید زاده، ۱۳۷٦ش، ۲۰۸/۲)

ب: روشی برای دور کردن ارواح شیطانی: کاربرد دیگر سحر در بابل، در مرحله‌ی درمان به کار می‌رفت یا به عبارت دیگر، ابطال سحر. شواهد فراوان نشان می‌دهد که بین‌النهرینی‌ها معتقد بودند از دو طریق می‌توان بیماری را معالجه کرد؛ اول: سحر دوم: دارو... (مجید زاده، ۱۳۷٦ش، ۱۹۸/۲)

ج: روشی برای پیشگویی: در میان متون موجود کاربرد دیگری هم از واژه سحر دیده می‌شود که برای پیشگویی نسبت به اینکه آیا فردی مورد سحر یا تهدیدی قرار گرفته است یا نه نیز است. یکی از راه‌های پیشگویی از طریق سحر و جادو بود؛ (مجید زاده، ۱۳۷٦ش، ۱۹۰/۲)

بنابراین با وجود آنکه بیشترین مفهوم متبادر از سحر در این منطقه روشی برای تسلط ارواح شیطانی و از بین بردن عشق‌ها و ایجاد دشمنی‌ها بوده است، چنانکه شواهدی وجود دارد که مؤید این است که بیشترین مورد استفاده سحر بابل در از بین بردن محبت‌ها و ایجاد کینه و نفرت بخصوص بین زنان و شوهران بود اما به

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

معنای دومی به عنوان روشی برای درمان و نیز طریقی برای پیشگویی نیز استفاده می‌شده است. خدای متعال پرداخت به هر نوع سحری را موجب مذمت و زیان معرفی می‌نماید چراکه باور عمومی مردم نسبت به تأثیر سحر و کاربرد آن در امور مختلف، در حد بسیار بالایی بوده است. چه پیشگویی یا درمان یا حتی سرکتاب باز کردن (سرکتاب باز کردن یعنی اینکه با تفأل به کتابی حتی قرآن، به پیش‌بینی آینده بپردازیم، یکی از امور خرافه‌ای که امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته است و این غیر از استخاره است. چنانکه از امام صادق علیه السلام روایت شده، «به قرآن تفأل نزن» (کلینی، ١٤٠٧ق، ٤٣٧/٤)

باید گفت، نوع تأثیری که ساحران از آن در آن عصر استفاده می‌کردند، جنبه ایجاد ضرر برای غیر را داشت و در واقع آنها چیزی را ایجاد نمی‌کردند و یا چیزی را عوض نمی‌کردند، نوع تأثیری که ساحر به واسطه سحر در «بابل» ایجاد می‌کرد، از طریق تصرف در قوه خیال افراد مورد نظرش بود و کاری می‌کرد که در نظر کسی کینه شخصی با تسلط شیطان بر او ایجاد شود و به این وسیله او از شخصی متنفر گردد. (مجید زاده، ۱۳۷۶، ۲۰۸/۲؛ کمپبل تامسون، ۱۹۳م، ۵۱/۱) به این ترتیب تنها اثر سحر در میان آنها ایجاد اثری روانی در افراد بود و هیچ‌گاه این طور نبود که این تسلط شیطان بر او به شکلی باشد که اختیار از افراد ربوده گردد بلکه تنها وسیله‌ای برای ناراحتی، ایجاد نفرت و دشمنی بود، سخنی از امام صادق علیه السلام مؤید این مطلب است. وقتی که زندیق پرسید: آیا ساحر می‌تواند با سحر خود، انسان را به صورت سگی یا الاغی یا مثل این‌ها درآورد؟ امام علیه السلام فرمودند: «ساحر عاجزتر از آن است که بتواند خلق خدا را تغییر دهد و... اگر می‌توانست هر آینه از خودش پیری و فقر و مریضی را دور می‌کرد... پس بهترین سخن‌ها درباره سحر آن است که بگوییم: سحر به منزله پزشکی است؛ ساحر کاری می‌کند که مرد نتواند با زن خود هم‌بستر شود. او نیز نزد پزشك می‌رود و خود را معالجه می‌کند و خوب می‌شود.»

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

که این تنها بر انسان‌های ضعیف‌النفس قابل اثر است و نه انسان‌های قوی که حتی با فرض وجود سحر این عمل را هم مانند سایر اتفاقات موجود در زندگی می‌دانند که برای حل آن باید از قدرت تفکر و ایمان به خدا و عمل به رهنمودهای دین اسلام استفاده نمود و دچار ضعف نفس و درماندگی نشد.

نتیجه: بعد از فهم مقوله اول مبنی بر مؤثر بودن اماکن جغرافیایی قرآن کریم بر تعیین محدوده مکانی دارای حکم فقهی مؤثر دومین مقوله به دست آمده از مفهوم اصلی معانی سحر، بیانگر آن است که اماکن جغرافیایی قرآن کریم در تبیین مصادیق عمل دارای حکم فقهی مؤثر است.

٦-١-٣. مقوله سوم - اماکن جغرافیایی قرآن کریم بر تبیین احادیث فقهی مؤثر است.

فقه الحدیث از دانش‌های حدیثی است که در آن به مبانی و ضوابط مربوط به فهم متون روایات پرداخته می‌شود، افزون بر آن، تفسیری که بر اساس این مبانی از احادیث ارائه می‌گردد در این دانش جای می‌گیرد (نصیری، ۱۳۸۳ش، ۲۱۴/۲) ارتباط تفسیر جغرافیایی با احادیث فقهی را از مفاهیمی می‌توان فهمید که به مفهوم زیر اشاره کرد:

٦-١-٣-١. مفهوم اول؛ جمع بین دو نماز جایز است.

جمع بین دو نماز اصطلاحی فقهی است که به باهم خواندن نمازهای ظهر و عصر یا مغرب و عشاء بنا بر مذهب شیعه در هر زمان از وقت مشترک (سبحانی، ۱۳۸۱، ۶۶) و بنا بر مذهب اهل سنت در وقت مخصوص دیگری (جزیری، ۱۴۲۴ق، ۴۳۸/۱) اشاره دارد. شیعیان معمولاً نمازهای ظهر و عصر و نیز مغرب و عشاء را با هم و اهل سنت جداگانه می‌خوانند بیشتر فقهای سنی جمع بین دو نماز را در شرایط عادی جایز نمی‌دانند. (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ۱۴۹/۱) و فقط آن را در صورت داشتن

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

عذر مانند سفر، بیماری و بارش باران مجاز می‌دانند، همچنین روایات درباره سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع بین دو نماز در شرایط معمولی، از نظر آنان به موارد داشتن عذر تأویل می‌شود (نووی، ۱۳۹۲ق، ۲۱۸/۵) یک جا هست که مورد اتفاق تمام مذاهب در جواز جمع خواندن نماز است. این مفهوم از داده زیر به دست می‌آید:

داده مرتبط: جمع دو نماز در عرفات و مشعر صورت گرفته است:

فقهای همه مذاهب اسلامی جمع دو نماز را در حج در عرفات و مشعر در نماز مغرب و عشاء جایز می‌دانند. (موسوی، ۱۳۹۳ش، ۳۴) عرفات نام منطقه وسیعی است به مساحت ۱۸ کیلومتر مربع، در شرق مکه اندکی متمایل به جنوب، فقط یکبار در قرآن و در آیه ۱۹۸ بقره آمده است. مشعر الحرام نیز مکانی است بین عرفات و منی و زمین وسیعی است که میان کوه‌ها واقع شده است. (عرب، ۱۳۸۸ش، ۳٦۱-٥۳٤) یکی از اموری که در اینجا ارتباط تفسیر جغرافیایی را با احادیث فقهی پررنگ‌تر می‌نماید رخداد تاریخی است که مورد اتفاق تمام مذاهب است و آن جمع بین دو نماز در این منطقه است که این عمل هم در ظهر عرفه و هم در غروب روز نهم ذی الحجه در مشعر انجام می‌گیرد، به همین دلیل در تاریخ یعقوبی نیز درباره باهم خواندن دو نماز در مشعر آمده جبرییل به ابراهیم گفت: «ازدلف» یعنی به خدا تقرب جوی... و دو نماز را باهم بخوان (یعقوبی، بی‌تا، ۹۲/۱) مرحوم علامه حلی در این رابطه می‌فرماید: فتوی آنان (اهل سنت، مبنی بر جایز نبودن جمع دو نماز) با گفتار خداوند مخالف است: «از هنگام زوال خورشید تا آنگاه که تاریکی شب فرامی‌رسید، نماز را بر پای دار. (اسراء، ۷۸) حمیدی در جمع بین الصحیحین آورده است: «پیامبر نمازهای ظهر و عصر را با هم و مغرب و عشاء را با هم می‌گزارد در حالی که نه هراسی در میان بود، نه سفری»

این اتفاق می‌تواند در پاسخ به کسانی قرار گیرد که چرا نمازهای پنج‌گانه را در سه نوبت و به صورت جمع می‌خوانند؛ بنابراین می‌توان از طریق اثبات ایجاد یک

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

رخداد در مکان جغرافیایی قرآن بی‌اشکال بودن جمع بین دو نماز را در احادیثی نظیر موارد بیان شده، یافت نمود.

نتیجه؛ با تبیین مقولات پیشین فهمیده می‌شود که اماکن جغرافیایی قرآن کریم در تبیین مصادیق عمل دارای حکم فقهی مؤثر است بلکه مقوله سوم و چهارم حاکی از آن است که اماکن جغرافیایی قرآن کریم بر تبیین احادیث فقهی و نیز شناخت عرف مؤثر است.

٦-١-٤. مقوله چهارم: اماکن جغرافیایی قرآن کریم در شناخت عرف مؤثر است.

یکی دیگر از منابع عمده استنباط احکام در کنار منابع چهارگانه معروف (کتاب، سنت، اجماع و عقل) که کاربرد فراوان در فقه دارد، عرف، عادت، بنای عقلا است. عرف و بنای عقلا، آنجا که بخواهد منبع، از جنس منابع چهارگانه باشد، بنا بر برخی مبانی، زیرمجموعه سنت و بنابر برخی مبانی دیگر، زیرمجموعه عقل است. برخی عرف و بنای عقلا را مفاهیمی همسو و یکسان می‌دانند. (عمید زنجانی، ١٣٦٦ش، ٢٢١/٢؛ نائینی، ١٣٧٨ش، ١٩٣) و بسیاری نیز آن دو را متمایز از یکدیگر می‌دانند. مرحوم حکیم در تبیین عرف صحیح می‌گوید: «عرفی است که در میان مردم متداول شده است، با نص شرعی مخالف نیست، مصلحتی را از میان نمی‌برد و مفسده‌ای را به بار نمی‌آورد، مانند اینکه میان مردم متداول شده است که بعضی از منقولات را وقف می‌کنند و یا بخشی از مهریه زن را نقداً می‌دهند، و بخش دیگری از آن را در زمانی دیگر». (حکیم، بی‌تا، ٤٢١) یکی از کاربردهای اماکن جغرافیایی قرآن کریم، دست پیدا کردن به عرف یک منطقه اعم از عرف صحیح و عرف فاسد است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

٦-٤-١. مفهوم اول؛ فساد قوم ثمود در عیش و نوش و بت‌پرستی بوده است

یکی از قصص قرآن که در آن به قوم و ملتی اشاره شده و عاقبت آنها بیان گردیده است، قوم ثمود است. خداوند متعال وقتی می‌خواهد عملی که نشان از بی‌تقوایی و عدم اطاعت قوم ثمود از حضرت صالح علیه السلام و بالاخره نزول عذاب الهی بر آنها دارد، را بیان نماید، به تراشیدن «بیوتی» در دل کوه‌ها اشاره می‌فرماید، که حالت قوم ثمود در آن بیوت، با واژه «فارهین» وصف گردیده است. مفهوم عرفی فارهین در آن دوران از داده‌های زیر به دست می‌آید:

داده مرتبط: حضور قوم ثمود در عبادتگاه‌های سنگی با عیش و نوش و رقص مقدس با حالت برهنگی آیینی و روسپی‌گری؛ «وَ تَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبالِ بُيُوتاً فارِهِينَ؛ شما از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید و در آن به عیش و نوش می‌پردازید.» (شعراء، ١٤٩) به نظر می‌رسد اگر بخواهیم به تبیین دقیق‌تر واژه «فارهین» بیش از آنچه تاکنون در تفاسیر قرآن بیان شده، بپردازیم، نیازمند تأملی در مکان زندگی قوم ثمود باشیم، که این بررسی از طریق مطالعه‌ی آثار متعلق به قوم ثمود و سنگ نگاشته‌های موجود از آنها در منطقه حجر انجام می‌گیرد. (امروزه حجر را منطقه‌ای در شمال غربی عربستان، نزدیك مدائن صالح در فاصله ۱۱۰ کیلومتری جنوب غربی تیما می‌گویند. بدویان ساکن این منطقه، نام «الحجر» را به دشتی هموار می‌گویند که طول آن از شمال به جنوب سه کیلومتر و از مشرق به مغرب دو کیلومتر و در شمالی‌ترین نقطه‌ی مدائن صالح واقع شده است (بی‌آزار شیرازی،۱۳۸۰، ۲۴۸) که در این دشت چند چاه آب وجود دارد.) کتیبه‌های بسیار زیادی از جنس سنگ از این منطقه یافت شده که بعضی از آنها تا کنون ترجمه شده و بعضی هم ترجمه نشده باقی مانده است. وان دن براندن باستان‌شناسی که بر روی حدود چهار هزار متن از سنگ نگاشته‌های موجود از این مکان به بررسی و تحقیق

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

پرداخته است، به وجود سیزده هزار سنگ نگاشته در این مکان که بعد از کاوش‌های مختلف توسط محققین در سال‌های متعددی از تمامی عربستان مرکزی و شمالی به دست آمده است اشاره می‌نماید، (براندن، ۲۰۰۸م، ٣٦) و این جای بسیار تأمل دارد که کمتر منطقه‌ای در روی زمین یافت شود و یا اصلاً یافت نشود که در آن این مقدار سنگ نگاشته وجود داشته باشد، چراکه معمول آثار باقی مانده، بر روی کتیبه‌های گلی است، نظیر؛ بین‌النهرین، نه سنگی و این به واقع شاخصه‌ی بسیار مهمی است که خداوند حکیم از سرزمین حجر بیان می‌نماید.

در برخی از طرح‌های اولیه سنگ نگاشته‌های ثمودی، که احتمالاً به مراسم پرستش مربوط می‌شوند، تصاویر بسیاری از مردان و زنان وجود دارد که دست‌های خود را بالا گرفته‌اند. موضوع شگفت‌آور در این تصاویر، برهنگی آنها، در تقریباً تمام تصاویر است. برهنه بودن با درشت نشان دادن اعضای تناسلی، گاه به شکل افراطی، در تصاویر بت‌ها به وضوح آشکار است. ظاهراً این برهنگی کاملاً عمدی و بدون شک در برخی مناسک دینی واجب بوده است. (براندن، ۱۳۸۷، ۱۱۵-۱۱٦)

رقص مقدس با حالت برهنگی آیینی، نوعی آماده‌سازی برای روسپی‌گری یا هم‌جنس‌بازی مقدس است. بعضی تصاویر شدیداً واقع‌گرا، روسپی‌گری را نشان می‌دهد. در کنار روسپی‌گری مقدس، هم‌جنس‌بازی مقدس نیز ظاهراً از مناسک دینی به شمار می‌آمده است. بازسازی تاریخی این مراسم، ممکن است بدین صورت باشد که شرکت‌کنندگان در مراسم دینی، پیش از قرار گرفتن در برابر بت برهنه می‌شوند و در حضور خادمان معبد، هدایایشان را تقدیم می‌کنند، آنگاه رقص مقدس با نوای موسیقی آغاز می‌شود و ظاهراً تا فرونشستن وجد و جذبه ادامه می‌یابد و سرانجام با روسپی‌گری و هم‌جنس‌بازی مقدس به پایان می‌رسد. (براندن، ۱۳۸۷، ۱۱۳-۱۱۷) در تحقیقی دیگر که بر روی خوراک آنها نیز انجام گرفته نشان می‌دهد، ثمودیان از تاک‌داری بی‌اطلاع نبوده‌اند یکی از کتیبه‌ها نشان می‌دهد که آنها شراب نیز درست

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

می‌کرده‌اند. شرابی که گاهی نوشیدنش سبب بروز خصلت افراد فریبکار می‌شد. (براندن، ۱۳۸۷، ٦٩)

نتیجه‌گیری

جامعه اسلامی، جامعه‌ای است که هم‌زمان ارتقاء هماهنگ بینش‌ها و اخلاق و احکام را ایجاد نماید. نظام‌مندی معارف دین موجب می‌گردد، آموزه‌ها در عین تکثر دارای ارتباط هماهنگ نیز باشند، بنابراین استنباط آنها نیز باید نظام‌مند باشد. بررسی اماکن قرآن کریم فضایی را فراهم می‌کند تا استنباط احکام فقهی به صورت شبکه‌ای به‌هم‌پیوسته که نسبت متوازنی با مفهوم مرکزی دین دارد، صورت پذیرد. این مقاله با این فرضیه که اماکن قرآن کریم بر استنباط حکم فقهی تأثیرگذار است، به روش زمینه‌ای به دنبال بسترهای شکل‌گیری این نوع تأثیرگذاری، عوامل شکل‌دهنده و تسهیلگر بوده است. به گونه‌ای که در دل این ارتباط تأثیرات فرهنگی محسوس قابل مشاهده است. رسالت این مقاله بررسی ارتباط مکان‌های مطرح‌شده در قرآن بر فقه و بالتبع تأثیرات فرهنگی آن است. با بررسی بیست و چهار آیه از دویست و بیست و سه آیه‌ای که دارای بار فقهی بودند، مشخص می‌گردد، تأثیر اماکن جغرافیایی قرآن کریم بر تعیین محدوده مکانی دارای حکم فقهی مؤثر است و نیز تبیین مصادیق عمل دارای حکم فقهی از مقولات اصلی بود که به عنوان شرایط علی و شکل‌دهنده شرایط علّی، بر پدیده محوری تأثیر گذاشته و منجر به بروز آن گردیده است. البته در بررسی‌های به‌عمل‌آمده متوجه می‌گردیم اماکن جغرافیایی قرآن کریم بر تبیین احادیث فقهی و نیز شناخت عرف مؤثر است و به نحوی در تأثیرگذاری اماکن جغرافیایی بر استنباط حکم فقهی به عنوان امری مداخله کننده و تسهیل گر محسوب می‌گردد.

در انتها شاهد آن هستیم می‌توان پیامدهای خوبی بر جهت‌مندی و هدف‌دار کردن علم جغرافیا در راستای اهداف متعالی قرآن کریم ایجاد نمود؛ و از این طریق

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

فهم جدیدی شکل می‌گیرد و این می‌تواند به معنی امکان تغییر در فرهنگ جامعه باشد. چراکه فرهنگ به عنوان مجموعه هنجارها و ارتکازات اجتماعی معنی شده است که به تفاهم اجتماعی رسیده‌اند؛ بنابراین اگر بتوانیم مفاهیم جدید تولیدشده را به تفاهم اجتماعی برسانیم، به معنی ایجاد هنجارهای جدید در جامعه و در نتیجه تغییر در فرهنگ جامعه است. از راهبردهایی که می‌تواند به این موضوع کمک نماید، تعریف طرح‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی در راستای هدف مذکور است. شکل یک می‌تواند گویای بسترها، عوامل علی و شرایط مداخله‌گری باشد که بر روی این پدیده محوری اثرگذار است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

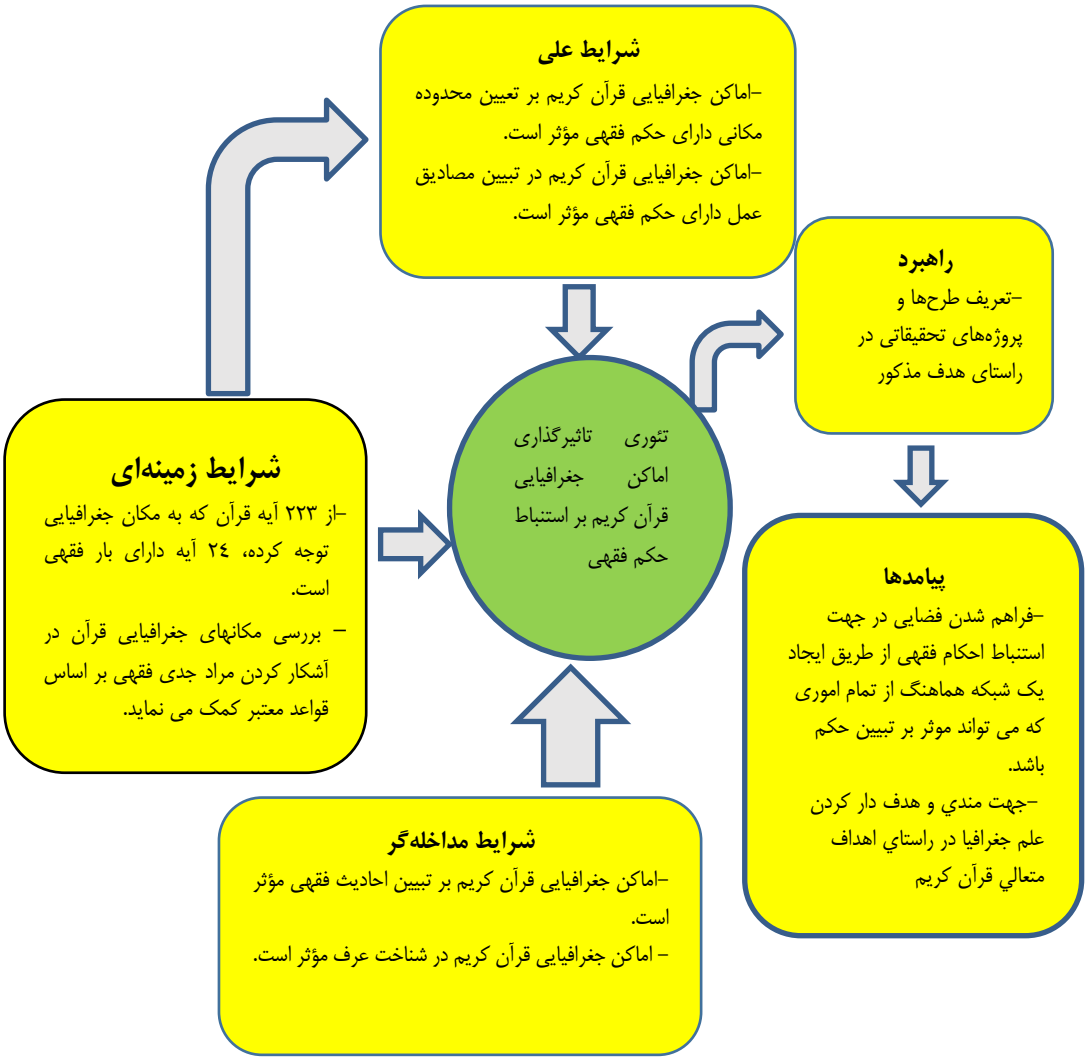

شکل ۱- الگوی ارتباط شبکه‌وار جغرافیای قرآن فقه و فرهنگ (گرندد تئوری)

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

منابع

***قرآن کریم**

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲ش، **من لا یحضره الفقیه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، ۱۴۲۰ق، **التحریر و التنویر**، بیروت: مؤسسة التاریخ.

۳. احمدیان، محمدعلی، ۱۳۷۶ش، «**جغرافیای تاریخی چیست؟**»، مجله علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۳ و ۴.

٤. الماسی، نعمت و صادقی، محسن، ۱۳۹۷ش، «**تقسیم جغرافیایی و وضع حقوقی اشخاص در فقه اسلام**»، مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، دوره ۱۲، ش ۳۷.

۵. براندن، ون دن، ۱۳۸۷ش، **باستان‌شناسی قوم ثمود**، ترجمه سیدمحمدحسین مرعشی، تهران: نگاه معاصر.

٦. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، ۱۳۸۰ش، **باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۷. مجهول، ۱۴۲۳ق، **حدود العالم من المشرق الی المغرب**، مصحح یوسف الهادی، قاهره: دار الثقافیة للنشر.

۸. جزیری، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۲۴ق، **الفقه علی المذاهب الاربعة**، بیروت: دارالکتب العلمیة.

۹. جهانبخش، عباس و شیخ‌العراقین‌زاده، حسن، ۱۳۹۸ش، «**رابطه علم و فرهنگ، زیرساخت نظری تمدن اسلامی**»، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۲، شماره ۱.

۱۰. حسین‌الحسینی، سیدمصطفی؛ علیمرادی، احسان؛ دلیر، اسماعیل و احمدی، مهدی، ۱۴۰۰ش، «**بررسی تطبیقی نقش مولفه‌های جغرافیایی در ارتکاب جرائم اقتصادی از منظر حقوق ایران و فقه امامیه و اسناد بین‌المللی**»، مجله علوم انسانی.

۱۱. حکیم، سیدمحمدتقی، بی‌تا، **الاصول العامة لفقه المقارن**، بیروت: مؤسسة آل البیت.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

۱۲. حلی، حسن بن یوسف، ۱۳۷۹ش، **نهج الحق و کشف الصدق**، ترجمه علی‌اکبر کهنسال، تهران: [بی‌نا].

۱۳. دلیر، اسماعیل، ۱۳۹۹ش، «**رویکرد جغرافیایی در حقوق محیط زیست**»، کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام.

۱٤. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۹۸ش، **منطق تفسیر قرآن (۵): قرآن و علوم تجربی و انسانی**، قم: انتشارات بین‌المللی المصطفی.

۱۵. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۱ش، **الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف**، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

۱٦. سرخسی، محمد بن احمد، ۱۴۱۴ق، **المبسوط**، بیروت: دار المعرفة.

۱۷. شکویی، حسین، ۱۳۹۲ش، **فلسفه جغرافیا**، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.

۱۸. شوقی، ابوالخلیل، ۱۳۸۹ش، **اطلس قرآن**، ترجمه محمد کرمانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴ش، **ترجمه تفسیر المیزان**، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۰. ــــــــــــــــــ، ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه.

۲۱. عرب، محمدحسن، ۱۳۸۸ش، **دانشنامه اماکن جغرافیایی در قرآن**، تهران: فرهنگ مکتوب.

۲۲. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۶ش، **فقه سیاسی**، تهران: امیرکبیر.

۲۳. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷ش، **تفسیر قمی**، قم: دارالکتاب.

۲٤. قزوینی، زکریا بن محمد، ۱۳۷۳ش، **آثار البلاد و اخبار العباد**، تهران: امیرکبیر.

۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، **الکافی**، مصحح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

۲٦. مجیدزاده، یوسف، ۱۳۷۶ش، **تاریخ و تمدن بین‌النهرین**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

۲۷. مصطفوی، حسن، ۱۳۸۵ش، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی.

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

۲۹. ـــــــــــــــــ بی‌تا، **انوار الاصول**، قم: نسل جوان.

۳۰. موسوی، عبدالرحیم، ۱۳۹۳ش، **جمع بین دو نماز**، ترجمه حسین‌علی عربی، قم: مجمع جهانی اهل‌بیت.

۳۱. ناصری، سهیلا و پیری، صدیقه، ۱۳۹۶ش، «**تئوری زمینه‌ای: روشی برای مطالعه علمی و عملی توسعه و تغییر اجتماعی**»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران.

۳۲. نائینی، محمدحسن، ۱۳۷۶ش، **فوائد الاصول**، به تقریر محمدعلی کاظمی خراسانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۳. نصیری، علی، ۱۳۸۳ش، **حدیث‌شناسی**، قم: سنابل.

۳٤. نووی، یحیی بن شرف، ۱۳۹۲ق، **شرح صحیح مسلم**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۵. ویل دورانت، ۱۳۷۸ش، **تاریخ تمدن**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۳٦. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، بی‌تا، **تاریخ الیعقوبی**، بیروت: دار صادر.

37. Branden, Albert van den, 2008, Les Textes Thamoudéens de Philby.
38. Campbell Thompson, Reginald, 1903, The Devils and Evil Spirits of Babylonia, 2 vols.
39. Oppenheim, A. Leo, 1977, Ancient Mesopotamia: Portrait of a Dead Civilization, Chicago: The University of Chicago Press.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]